

شرح حال و فهرست آثار آیت الله سید راحت حسین گوپال پوری قائده *

حجت الاسلام سید رسول احمد گوپال پوری * ترجمه: سید تنویر حیدر رضوی

جایگاه ولادت در یکی از روستاهای عالم پرور هند، نزدیک شهر سیوان، واقع در ایالت بهار، به نام گوپال پور سادات می باشد. او پنجم ماه رجب المرجب، روز ولادت امام علی نقی علیه السلام

* مرحوم آیت الله سید راحت حسین بن سید ظاهر حسین مبرقی رضوی گوپال پوری هندی (۱۲۹۷-۱۳۷۶) شیخ اجازه مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی علیه السلام بوده که متن اجازه وی در المسلسلات فی الاجازات ج ۱ ص ۹۴-۹۹ درج شده و شرح حال خودنوشت وی نیز در همان جا ج ۲ ص ۵۹-۶۶ آمده است. شرح حال حاضر که به قلم شاگردش حجت الاسلام والمسلمین سید رسول احمد گوپال پوری نگارش یافته و در کتاب توشه آخرت چاپ شده بود، از آن جا انتخاب و به زبان فارسی ترجمه شده است.

** سید سعید اختر رضوی در مستدرک مطلع انوار ص ۷۳۹ چاپ آستان قدس رضوی درباره ایشان می نویسد:

رسول احمد فرزند سید حسین احمد طبق تاریخ های اعلامیه مجلس چهلیم (اربعین) وی در سال ۱۹۰۳ م به دنیا آمد. وطنش گوپال پور بود. پس از تحصیل ابتدایی به مدرسه سلیمانیه پتته وارد شد و از همان جا مدرک «فاضل» گرفت. سپس تا سال ۱۹۴۵ م به تدریس در همان مدرسه مشغول شد. بعداً در مدرسه ناظمیه لکهنوء، مدرس شد و تا سال ۱۹۶۰ م در آن جا سکونت داشت. پس از آن در گجرات، مهوا و بهاونگر وظیفه امامت جمعه و جماعت را به عهده داشت. در سال ۱۹۷۰ م پس از بازگشت از سفر حج و زیارت دوباره به مدرسه ناظمیه آمد و تا آخر عمر، همان جا مدرس بود. وی در پی بیماری شدید به وطن بازگشت و در ۱۴ محرم ۱۳۹۹ ق مطابق ۱۵ نومبر ۱۹۷۸ م درگذشت. من [سید سعید اختر رضوی] بر جنازه اش نماز گزاردم و مجلس اربعین را هم خطاب کردم.

او شاگردهای بی شمار داشت. من هم در تعطیلات تابستانی نزد وی ازهار العرب را خوانده بودم. هم چنین تحت سرپرستی او در حالی که هم اتاق بودیم، در مدرسه سلیمانیه امتحان فوقانیه دادم.

کتابی درباره فقه از وی به یادگار مانده است. فرزند بزرگش مولانا سید لیاقت حسین که واعظ مدرسه الواعظین بود، در حال حاضر در گجرات سکونت دارد. دومین فرزند وی مولانا سید لطافت حسین صدر الافاضل مدرس مدرسه سلیمانیه در پتته است.

سال ۱۲۹۷ ق دیده به جهان گشود. از سن پنج سالگی، شروع به مکتب رفتن نمود. کتاب اردورا نزد پسر دایی خود آقای سید سخاوت و کتاب فارسی را پیش پسرعمویش آقای سید امیرحسن فراگرفت. سپس به کهجوارفت و کتاب‌های ابتدایی عربی یعنی *میزان الصرف* و *صرف* میرانزد حجت الاسلام والمسلمین سید باخدا سیدحسن که شخصی باتقوا، عالم باعمل و پدر عالم جلیل‌القدر، حجت الاسلام والمسلمین آقای سیدعلی اظهر بود، در پنجم رجب ۱۳۱۱ آغاز کرد.

یازدهم ماه رجب سال ۱۳۱۲ به غرض تحصیل علم، با حجت الاسلام آقای محمد ضامن به حسین آباد رفت که در شهرستان مونگیر واقع است، نحو *میر و شرح مائة عامل* را تا حرف جر خواند. و پس از آن به شهر مظفرپور رهسپار شد و در مسجد کمره محله اقامت گزید و شروع به تحصیل نمود. از *شرح مائة عامل* روزی دو درس می‌گرفت، یکی از حجت الاسلام والمسلمین آقای سید عابد حسین که استادی بی نظیر در آن منطقه بود. و دیگری را از استاد سید خالق بخش، در طول دو ماه *شرح مائة عامل* را به اتمام رساند و به همین منوال *هدایة النحو* را شروع کرد. یک درس را نزد حجت الاسلام والمسلمین آقای سید عابد حسین می‌خواند و درس دیگر را از صاحب *لواعج الاحزان*، حجت الاسلام والمسلمین آقای سید محمد مهدی علیه الرحمه فرا می‌گرفت. کتاب *شرح جامی و تهذیب* را نیز نزد استاد عابد حسین فراگرفت. و درس ریاضی را از نواب عمدوجان، و درس قرائت و تجوید را از قاری گران قدر آقای میرزا محمد آموخت. خلاصه او تا سال ۱۳۱۵ ق مشغول خواندن این کتاب‌ها بود.

سپس در مدرسه ایمانیه بدهن پوره که در شهر مظفرپور واقع است و مؤسس آن آقای نواب امیرحسن بوده است، به عنوان مدرس اعلی (مدیر) استخدام گردید. او در کنار تدریس در مدرسه مذکور، از حجت الاسلام والمسلمین آقای سید نظیر حسن خواندن کتاب‌های *ملاحسن و مختصر المعانی* را آغاز نمود. او تا سال ۱۲۱۹ ق در آن جا قیام کرد. و درس خود را تا کتاب *الحج شرح لمعه* پیش برد. در ضمن، کتاب‌های تفسیر و احادیث را نیز خودش مطالعه می‌کرد. او کتاب *حق الیقین* علامه مجلسی علیه الرحمه را چندین بار با دقت خواند. کتاب *طب* را که به زبان فارسی نوشته شده بود به گونه‌ای مطالعه کرد که مسائل کلیات طب در حافظه‌اش جای گرفت و او به نوشتن نسخه بیماری‌های عمومی قادر گردید.

او در ابتدای ماه ذی قعدة سال ۱۳۱۹ق برای ادامه تحصیل به سوی شهر لکهنؤ کوچ کرد و آن جا در مدرسه حسین آباد که الآن به نام سلطان المدرس معروف است، پذیرفته شد. اتفاقاً ایام امتحانات نزدیک بود و مواد امتحانی او کتاب الطهارة شرح لمعه بود. او در طول دو ماه خود را برای امتحان آماده ساخت و نفر دوم هم دوره خویش گردید. از این به بعد در تمام امتحانات که در آن جا می داد نفر اول می شد. او پس از فارغ شدن از امتحانات، در درس شرح لمعه حجت الاسلام والمسلمین [آیت الله العظمی] آقای سید محمد باقر شرکت می کرد و از حجت الاسلام والمسلمین [آیت الله] آقای ظهور الحسن، درس حماسه، متنبی، مطول و حمد الله را می خواند. وقتی استاد دلسوز حجت الاسلام والمسلمین آقای سید عابد حسین به سمت مدرس دوم آن مدرسه مقرر گردید دیگر نیازی ندید که به جای دیگر برود. همان جا پیش استاد بزرگوارش حمد الله، تصریح شرح تصریح الافلاک، قاضی مبارک، صدر، نجات العباد و شرح تجرید علامه را خواند و نزد حجت الاسلام والمسلمین [آیت الله العظمی] آقای سید محمد باقر، شرح لمعه تا کتاب المیراث، قوانین تا او اخر بحث او امر و نهج البلاغه را فرا گرفت.

از آن جا که او از حافظه قوی و فهم و شعور بالایی برخوردار بود، هر چه را که استاد درس می داد، حفظ می شد. همواره در گروه خود ممتاز می شد. او در دوران قیام خود در لکهنؤ، هر هفته بعد از ظهر روز جمعه ها با دوستان مباحثه علم کلام راه انداخته بود که تا سال های متمادی ادامه داشت. و هم چنین از سال ۱۳۲۳ق برای یادگیری علم طب زحمات زیادی کشید. و علاوه بر دروسی که در مدرسه می گرفت، کتاب های متعددی امثال مختصر المعانی، شرائع الاسلام، حمد الله و... را به طلاب دارالعلم تدریس می کرد. هم چنین کتاب های طبی امثال اقصرائی، سدیدی و مفردات نفیسی را نیز تدریس می کرد و خود نیز در درس طب حکیم آقای سید امیر حسن شرکت می کرد. او در علم منطق، فلسفه و ادبیات عرب تبحر و تسلط پیدا کرده بود و در مسائل طبی هم با مطالعه کردن کتب فارسی، مهارتی به دست آورده بود که هر روز قبل از رفتن به مدرسه در کنار اسطوی زمان، حکیم شیخ عابد علی، نسخه می نوشت تا ماه رجب ۱۳۲۳ق کتاب قانون شیخ الرئیس را به اتمام رساند و از دو حکیم بزرگوار آقای سید امیر حسین و آقای شیخ عابد علی، اجازه طب دریافت نمود و سپس به معالجه مریض پرداخت و از دست ایشان مریض هایی شفا یافتند که دکترها جوابشان کرده بودند و آن ها از زندگی خودشان مأیوس گشته بودند.

او در ماه ذی‌قعدة سال ۱۳۲۴ق برای ارتقای علم خود و تفقه در دین به نجف اشرف، بارگاه ملکوتی مولای متقیان، عزیمت نمود. با این‌که قوانین، شرح لمعه و بعضی دیگر کتب را در هندوستان خوانده بود ولی تصمیم گرفت از ابتدا بالخصوص این دو کتاب را دوباره بخواند. بخشی از این دو کتاب را نزد آیت‌الله میرزا محمد علی رشتی و قسمتی از آن را نزد آقای سید محمد آقازاده آیت‌الله طباطبائی خواند و باقی مانده آن را نزد آیت‌الله سید حسن به اتمام رساند. هم‌چنین بخشی از تهذیب الاحکام شیخ طوسی و کتاب الطهاره و کتاب الصلاة شرح کبیر را نزد آیت‌الله آقای سید حسین بروجردی فرا گرفت. و میراث شرح کبیر را فقط با دوستان مباحثه کرد و پس از آن بحث اصل اشتغال از کتاب رسائل و بحث بیع تا آخر بیع فضولی از کتاب بیع شیخ انصاری را نزد آیت‌الله شیخ محمد ابراهیم اردبیلی خواند.

سال ۱۳۲۹ق خبر وفات پدرش را شنید و به وطن خود بازگشت و وقتی بعد از یک سال به نجف اشرف برگشت استاد بزرگوارش نیز از دنیا رفته بود؛ لذا باقی مانده اصل اشتغال را نزد آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی تکمیل نمود و از بحث استصحاب تا آخر کتاب را نزد نوه شیخ انصاری فرا گرفت.

بعد از آن مدام در درس خارج اصول و فقه آیت‌الله آقای سید ابوالحسن اصفهانی شرکت می‌کرد. وقتی با آیت‌الله شیخ علی گونابادی آشنا گردید، اخلاق و همدردی او نسبت به شاگردان را وسیع یافت و درس خارج فقه او را مفید ارزیابی کرد، رفتن به درس ایشان را برگزید. علاوه بر این جلد اول کفایة الاصول را کامل و از جلد دوم آن بحث حجیة قطع و ظن و بحث استصحاب را پیش ایشان خواند و هم‌چنین در علم درایه، کتاب رجال بافروشی، توضیح المقال و در علم رجال، کتاب رجال مستدرک الوسائل تا آخر کتاب، شاگرد ایشان بود. او در کنار درس خارج، رجال میرزا محمد علیه‌الرحمه را نیز نزد ایشان شروع کرد. ولی هنوز قسمتی از آن را خوانده بود که ناگهان استاد بزرگوارش به رحمت الهی پیوست.

بعد از فوت استاد بزرگوارش، چون دروس سطح پایان یافته بود و درس خارج دیگر که برقرار بود، به نظرش چندان مفید نبود، لذا روزها فقط به درس خارج فقه آیت‌الله سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و شب‌ها به درس خارج اصول آیت‌الله شیخ محمد کاظم خراسانی معروف به آخوند خراسانی اکتفا کرد. شرکت در این دروس از ماه شعبان ۱۳۲۷ق تا ماه صفر ۱۳۳۴ق ادامه یافت و در کنارش کتاب شفای شیخ رئیس، شرح تجرید قوشجی و شرح تجرید ملا عبدالرزاق را با مطالعه به اتمام رساند. علمای نجف خصوصاً آیات عظام آقای محمد علی رشتی،

شیخ علی گونابادی، سید کاظم طباطبایی و شیخ الشریعت اصفهانی اعلی الله مقامهم به خاطر فهم و شعور و عقل و درایت بالای او، علاقه شدید نسبت به او داشتند و اظهار محبت می کردند. آیه الله طباطبایی، تمام امور طلاب هند را به او واگذار کرده بود. آقای شریعت اصفهانی در مقدمه کتاب تفسیر جن و جان علی ما علمه الرحمن [که آن رأیت الله راحت حسین بررد کتاب سرسید مؤسس دانشگاه مسلم علی گرنوشته بود] از او بسیار تعریف و تمجید نموده است. و نه نفر از آیات عظام نجف به او اجازه اجتهاد داده اند. ماه صفر سال ۱۳۳۴ق به خاطر جنگی که رخ داد [جنگ جهانی اول]، او به وطن خویش بازگشت و نتوانست از آقایان دیگر اجازه اجتهاد دریافت نماید. وقتی دوباره به غرض زیارت به نجف رفت، برخی از علما از دنیا رفته بودند و بعضی از عراق هجرت کرده و به کشورهای دیگر رهسپار شده بودند.

او هم چنان که بر تفسیر، حدیث، درایه، رجال، فقه و اصول تسلط کافی داشت، در منطق، فلسفه، کلام، هیئت و طب نیزید طولانی داشت و به همین خاطر در میان تمام طلاب همدوره خویش محبوب بوده و مورد احترام قرار می گرفت. من در قرن چهاردهم از علمای هند جز چهار نفر را نمی شناسم که بعد از اتمام دروس حوزه هند و با کسب فضل و کمال راهی نجف اشرف شده باشند و در طول نه یا ده سال به درجه اجتهاد رسیده و به هند بازگشته باشند. آن چهار نفر از بزرگان عبارت اند از آیت الله سید امجد حسین اله آبادی، آیت الله باقر العلوم، آیت الله سید سبط حسین و آیت الله سید راحت حسین گوپال پوری اعلی الله مقامهم.

او در نجف اشرف کرسی تدریس نیز داشت. برخی بزرگان حوزه امثال آقا سید محمدرضا شاه عبدالعظیمی، آقای سید جواد عرب نجفی، آقای شیخ عبدالعلی آملی ذوالنورین، آقای شیخ محمد آملی در درس تصریح، شرح تصریح الافلاک ایشان شرکت می کردند. چون آن ها از این فن بی بهره بودند. و بعضی از طلاب هندی و کشمیری در دروس معالم الاصول، شرح لمعه، قوانین، رسائل و مکاسب شرکت می کردند و کسب فیض می نمودند.

آیت الله سید امجد، چون از خطابت و بیان عاجز بود، فضل و کمال او آن چنان که باید شکوفا می شد، نشد. آیت الله سید راحت حسین نیز چون در یک روستا گوشه نشین گردید و هم چنین بسیاری از تصیفات او به خاطر کمی بودجه به چاپ نرسید، با آن که نوشتار او خصوصاً در زبان اردو بسیار سلیس و شیرین و در عین حال دقیق و عمیق بوده است، لذا مردم از فضل و کمال و استعداد های او بی بهره ماندند.^۱

۱. ایشان تا ۱۹۴۰م در حسین آباد ساکن و مشغول فعالیت علمی و مذهبی بود ولی در سال ۱۹۴۰م از حسین آباد

به وطن برگشت و مشغول تصنیف و تألیف شد. ۹۸

او تألیف و تصنیف را از همان زمانی که در شهر مظفرپور اقامت داشت، شروع کرد. آثار او نزدیک چهل کتاب است که برخی از آن‌ها به عنوان رساله و بعضی دیگر به صورت کتاب می‌باشد. البته چند تا از آن‌ها ناتمام مانده است ولی بیشتر آن‌ها کامل است که تفصیلاً بدین قرار است:

۱. رساله سبیل الهدی به زبان اردو، این رساله راجع به فضائل علم و علما می‌باشد که در دوران اقامت بدین پوره واقع در مظفرپور، در سال ۱۳۱۸ ق به چاپ رسید.
۲. رساله مختصر القواعد العربی، این رساله جامع جمیع مسائل علم نحو است که در دوران اقامت او در شهر لکهنؤ در سال ۱۳۲۲ ق چاپ گردید.
۳. تفسیر جن و جان علی ما علمه الرحمن، این کتاب در رد کتاب آقای سرسید احمد خان دهلوی به نام تفسیر جن و جان علی ما فی القرآن است و به زبان فارسی می‌باشد. این تفسیر را در سال ۱۳۲۴ ق نگاشت که در آن زمان در شهر لکهنؤ اقامت داشت و شرح لمعه می‌خواند.
۴. رساله در تحقیق صبح صادق به زبان عربی و به نام البراح می‌باشد، و در سال ۱۳۲۵ ق در نجف اشرف به رشته تحریر درآورد.
۵. شرح میراث تبصره علامه حلی، این نیز به زبان عربی و در سال ۱۳۲۵ ق در نجف اشرف نگاشت، ولی متأسفانه ناتمام ماند.
۶. حواشی رسائل اربعه در اصول، این هم به زبان عربی و در سال ۲۷-۱۳۲۸ ق در نجف اشرف نوشت ولی متأسفانه ناتمام ماند.
۷. رساله تحقیقی در نجاست عرق جنب به حرام به زبان عربی و در سال ۱۳۲۶ ق در نجف اشرف نگاشته.
۸. رساله اجتهاد و تقلید، به زبان عربی در سال ۱۳۳۰ ق در نجف اشرف تصنیف کرده.

در حدود ۱۹۵۰ م وقتی به قصد زیارت به قم آمد و با مرحوم آیه الله العظمی سید حسین بروجردی ملاقات کرد، ایشان از او خواست که بعضی از کتاب‌های خودش را به عربی ترجمه کند تا مردم ایران و عراق هم بهره‌مند شوند. وی پس از بازگشت از سفر، دوازده رساله خودش را که مربوط به بحث کلامی و فقه استدلالی بود از اردو به عربی ترجمه و در یک جلد به نام الاثنا عشریه چاپ کرد و چند نسخه پیش آیه الله بروجردی فرستاد. پس از درگذشت علامه عدیل اخترمدیر مدرسه الواعظین لکهنؤ، وی ریاست مدرسه الواعظین را به عهده گرفت و چهارپنجم سال این مسئولیت را به نحو احسن انجام داد. ولی به سبب مرض دیابت مجبور شد به وطن برگردد، و در ۲۶ ماه مبارک رمضان ۱۳۷۶ ق در وطن دارفانی را وداع گفت.



۹. رساله در زکاة به زبان عربی و در نجف اشرف، سال ۱۳۳۰ ق نوشته.
۱۰. رساله در شکیات نماز، به زبان عربی در نجف اشرف و سال ۱۳۳۰ ق نگاشته.
۱۱. هدایة العقول الی مطالب الاصول به زبان عربی تا بحث اوامر در نجف اشرف و در سال ۱۳۳۲ ق به دست تحریر در آورده.
۱۲. حواشی متفرقه بر کتاب الصوم از کتاب نجات العباد، به زبان عربی در نجف اشرف در سال ۱۳۳۲ ق تصنیف نمود.
۱۳. هدایة المؤمنین، این کتاب را به زبان اردو و در مورد فضائل علم و علما و شناخت علما و در سال ۱۳۳۵ ق، در دوران اقامت خود در حسین آباد نوشته است.
۱۴. رساله قاطع لجاج در میراث ازواج، این اثر نیز به زبان اردو می باشد و در حسین آباد، سال ۱۳۳۶ ق نوشته و طبع گردید.
۱۵. رساله افحام المجاهد در رد مسئله الواحد لا یصدر عنه الا الواحد، در جواب سؤال نصرانی در حسین آباد سال ۱۳۳۶ ق تصنیف کرده و چاپ گردید.
۱۶. رساله محفل افروز و القام حجر در بیان نوروز ۲۱ مارس در حسین آباد، سال ۱۳۳۷ ق تصنیف نمود.
۱۷. کتاب تحریف قرآن همه شواهد این کتاب از کتب اهل سنت است و به زبان اردو می باشد، در حسین آباد، سال ۱۳۳۸ ق نوشته است.
۱۸. رساله تحقیقی در تیمم مجنب معذور از غسل به عنوان شرح رساله مولانا و سیدنا آقای سید محمد کاظم طباطبایی اعلی الله مقامه در نجف اشرف، سال ۱۳۳۰ ق تصنیف کرد.
۱۹. ثمره اعمال، این اثر را به زبان اردو، در حسین آباد، سال ۱۳۳۸ ق نوشته است.
۲۰. بغیة الطالبین شرح معالم الدین در اصول فقه، این کتاب به زبان فارسی، مشتمل بر تحقیقات نفیسه، در حسین آباد در سال ۱۳۴۰ ق تصنیف شد و دارای دوازده جزء می باشد، ولی ناتمام مانده است.
۲۱. کتاب مرشد امت در مسئله (سیکون بعدی اثنا عشر خلیفة و کلهم من قریش)، به زبان اردو و در مناظره می باشد. این کتاب دارای چهار جلد و از لحاظ تحقیق و نوآوری بی نظیر است و در طول پنج سال از سال ۱۳۴۱ ق تا سال ۱۳۴۵ ق و در حسین آباد نوشته شده است.
- جلد اول راجع به فضائل ائمة اهل بیت علیهم السلام از کتاب خدا و احادیث رسول صلی الله علیه و آله و اقوال علما و خلفای اهل سنت می باشد.

- جلد دوم در مطاعن جمله صحابه مطلقاً و شیخین خاصة از کتاب خدا و احادیث رسول ﷺ و اقوال خلفا یعنی طعن یکی به دیگری است.
- جلد سوم در مورد مطاعن ابوبکر می باشد.
- جلد چهارم درباره مطاعن خلفای بنی امیه و بنی عباس می باشد
۲۲. رساله تحقیقی در بداء، به زبان اردو تحقیقی جالب و در حسین آباد، در سال ۱۳۴۹ ق نوشت.
۲۳. رساله در حجاب زنان به نام کاشف حجاب به زبان اردو در حسین آباد سال ۱۳۴۸ ق نگاشت.
۲۴. رساله در حجاب زنان به نام معلم شرافت در حسین آباد، در سال ۱۳۵۱ ق نوشته و به چاپ رسید.
۲۵. رساله غنا و اسلام که در اثبات حرمت غنا و بازی با ورق و شرطنج می باشد. این رساله را در وطن خود و در سال ۱۳۴۹ ق نوشت.
۲۶. رساله در انساب سادات در گوال پور، پالی و کهجوه، این را نیز در وطن خود و در سال ۱۳۴۸ ق نگاشت.
۲۷. رساله مرآة قادیانی. در زندگی نامه احمد قادیانی که ادعای نبوت و امامت کرده بود. بعنوان ردّ او، در شیخ پوره، به زبان اردو، در سال ۱۳۴۵ ق نوشته است.
۲۸. مسائل متفرقه اصولیه و فقهیه و شرح بعضی از احادیث و مناظره‌ها، به زبان اردو عربی هر دو نوشته شده است.
۲۹. رساله در حرمت کارمند شدن کفار با ادله اربعه شرعیه، به زبان اردو، در وطن خود، سال ۱۳۳۵ ق به تحریر در آورده است.
۳۰. رساله شکیات نماز، مطابق فتوای خود، به زبان اردو، در سال ۱۳۲۸ ق تصنیف و چاپ شد.
۳۱. رساله طهارت و صلاة، به صورت توضیح المسائل، به زبان اردو، با حواشی خود در حسین آباد، سال ۱۳۵۰ ق نگاشت [و در سال ۱۳۵۴ ق به چاپ رسید].
۳۲. رساله طهارت به زبان اردو، مطابق فتوای خود، در حسین آباد به سال ۱۳۳۸ ق نوشت.
۳۳. رساله اصول فقه به نام سبائک الذهب، در حسین آباد، در سال ۱۳۶۰ ق به رشته تحریر در آورده است؛ البته ناتمام ماند.
۳۴. رساله سفرنامه خراسان سال ۱۳۴۶ ق که پس از بازگشت به وطن خود مرتب نمود.

۳۵. تحقیق در متعه که مطالب جالب و با کمال دقت در حسین آباد در سال ۱۳۴۹ ق

نوشته است.

۳۶. رساله در عدم جواز بستن دست‌ها در نماز همراه با ادله آن، و باز نمودن دست‌ها، همراه با

ادله جواز بلکه با ادله وجوب، در حسین آباد در سال ۱۳۵۳ ق به رشته تحریر در آورده است [و

به چاپ رسیده].^۱



۱. دارای چند کتاب دیگر به شرح ذیل می باشد: تعدیة النکاح اردو مطبوع. الانتصار فی حرمة الادبار اردو. منازل الآلام، مربوط به منازل سفر امام حسین علیه السلام اردو مطبوع. رافع التباس از سند زیارت ناحیه اردو مطبوع. تفسیر انوار القرآن [نا تمام] در سه جلد: جلد اول مقدمه تفسیر حدود ۲۰۰ صفحه، جلد دوم تفسیر سوره الحمد حدود ۲۰۰ صفحه و جلد سوم از اول سوره بقره تا حدود آخر سوره آل عمران در حدود ۹۰۰ صفحه چاپ شده است. متأسفانه اجل مهلت نداد که این را به اتمام برساند و این تفسیر ناقص ماند.

